



نسبت فرهنگ با تغییرات جمعیتی

به دلیل برخی موانع فرهنگی و محیطی در آینده باروری به آسانی افزایش نمی‌یابد؛ زیرا کوچک‌سازی بعد خانواده امروزه به هنجاری جهان شمول تبدیل شده و بدیهی است که تغییر آن در زمانی کوتاه دشوار است. از این رو ارزش فرهنگی نهادی شده به دلیل دیرپایی و استمرار، تنها از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی مستمر و درازمدت تغییرپذیر خواهد بود. هدف این مطالعه نیز نشان دادن همین تأثیر و تأثرات جمعیت و فرهنگ بر یکدیگر است. این گزارش پژوهشی با عنوان «بررسی نسبت فرهنگ با تغییرات جمعیتی» توسط نظام بهرامی کمیل در سال ۱۳۹۶ انجام شده و دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آن را منتشر کرده است.

نباید تصور کنیم که چون سیاست‌های جمعیتی به‌عنوان اسناد بالادستی مصوب شده است گفت‌وگو و نقد آن‌ها نیز منتفی است. اگر در مورد سیاست‌های جمعیت قبلی هم به‌اندازه کافی بحث و تبادل نظر می‌شد و درپچه نقد بر روی آن‌ها همیشه باز می‌ماند شاید به نحو حساب‌شده و با نقص کمتری پیش می‌رفت؛ بنابراین انجام این مطالعه که به پیامدهای مختلف سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی می‌پردازد امری ضروری است. (ص ۱۷)

حبیب‌الله زنجانی، استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات و مدیر بخش مطالعات جمعیتی مرکز مطالعات شهرسازی بر این اعتقاد است که جمعیت ایران به سمت سالخوردگی در حرکت بوده و به‌همین دلیل باید برای حل این معضل به فکر چاره بود. (ص ۵۹)

برخی افراد نیز با رویکرد امنیتی و توطئه‌محور آمریکا و اسرائیل را یکی از عوامل مهم کاهش جمعیت در جهان سوم و به‌خصوص در بین کشورهای اسلامی می‌دانند. (ص ۶۰)

در بین موافقان افزایش جمعیت عده‌ای هم موافق مشروط محسوب می‌شوند. برای مثال ناصر فکوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران، در این دسته قرار می‌گیرد. او می‌گوید: من با سیاست‌های انقباضی جمعیت مخالفم و البته این به‌معنای پُرزایی با هر روشی نیست. در کشور ما پتانسیل و ظرفیت افزایش جمعیت وجود دارد. (ص ۶۲) مخالفان، در مورد نظریاتی که کنترل و کاهش جمعیت را توطئه کشورهای غربی می‌دانند نیز می‌گویند؛ روند کاهش جمعیت الگوی جهانی دارد و کشورهای توسعه‌یافته غربی هم آن را طی کرده‌اند و اکثر آن‌ها امروزه با رشد منفی یا بسیار کم مواجه هستند. (ص ۶۶)

از لحاظ اقتصادی افزایش یا کاهش جمعیت می‌تواند هم دوره‌های رونق و هم دوره‌های رکود نامناسب را به دنبال داشته باشد؛ زیرا عوامل دیگری غیر از جمعیت نیز دخالت می‌نمایند؛ بنابراین دادن حکم کلی برای کاهش یا افزایش یا ثبات جمعیت چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. (ص ۶۷)

رشد و گسترش فردگرایی به‌ویژه در گروه زنان یکی از عوامل مهمی است که کاهش باروری را به دنبال دارد. فردگرایی که یکی از مؤلفه‌های دوران مدرن و زندگی در شهرهای بزرگ جوامع صنعتی است باعث می‌شود افراد از فشار و قیود سنتی و مذهبی برای تشکیل سریع‌تر خانواده و فرزندآوری رها شوند و براساس ملاحظات و

خواسته خودشان ازدواج و زاد و ولد کنند. منظور از فردگرایی این است که افراد به جای اولویت دادن به خواسته‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی به ارزش‌ها و خواسته‌های فردی خود اولویت می‌دهند. (ص ۷۰)

طبق نتایج تحقیقی در مورد باروری، زنان بلوچی از سایر قومیت‌ها نگاه سنتی‌تری داشته، به طوری که حدود ۵۰ درصدشان استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی را دخالت در کار خدا دانسته‌اند، در صورتی که در بین زنان گیلکی فقط ۱۱ درصد این عقیده را داشته‌اند. (ص ۸۲)

تغییرات جمعیتی (مانند تغییر در نسبت گروه‌های سنی، جنسی، تراکم مناطق مسکونی و...) باعث تغییر در نیازهای فرهنگی جامعه می‌شود که باید به‌دقت مطالعه و بررسی شود. (ص ۱۲۲)

با مسئله کاهش میزان زادوولد و کاهش نرخ جمعیت نباید به‌مثابه موضوعی بحرانی برخورد کرد؛ زیرا اول آنکه چنین برخوردی باعث اخذ تصمیم‌های غیر کارشناسانه و دستپاچگی در امور می‌شود و دوم آنکه اساساً کار در حوزه فرهنگ زمان‌بر است و با صبر و شکیبایی به‌پیش می‌رود. (ص ۱۲۳)

بر اساس داده‌های سرشماری‌های موجود نرخ زادوولد و افزایش جمعیت در بین همه اقوام و مذاهب درون کشور یکسان و متناسب نیست. آمار نشان می‌دهد نرخ زادوولد در بین سنی‌مذهبان سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خراسان و خوزستان بیش از میانگین کل کشور است. البته در این مورد استان سنی‌نشین کردستان استثناست. (بخشی از این کاهش به دلیل میزان بالای مهاجر فرست بودن استان کردستان است) این واقعیات جمعیت‌شناختی به همراه برجسته‌تر شدن جایگاه هویت قومی ایجاب می‌کند تا از رویکردهای افراطی ملی‌گرایانه پرهیز شود و با احترام به هویت‌های قومی و پذیرش تکثرگرایی فرهنگی نسبت به تقویت انسجام و وحدت ملی برنامه‌ریزی شود. (ص ۱۲۹)

آنچه در حوزه فیلم و سینما نیاز به اصلاح و بازبینی دارد، روش بازنمایی خانواده‌هاست. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازنمایی خانواده‌ها که پیامدهای منفی برای جامعه دارد به شرح زیر است:

حذف کودکان از فیلمنامه‌ها و یا کمرنگ کردن نقش آنها
کوچک کردن بیش از حد بعد خانواده‌ها به نحوی که در دورهم‌نشینی چند خانواده اثری از فرزندان وجود ندارد.
حذف و یا کمرنگ کردن نقش خویشاوندان و تأکید بیش از حد بر روابط دوستانه غیرخویشاوندی
حذف فعالیت‌ها و مشکلات روزمره از داستان فیلم‌ها
تأکید و تکرار سوژه‌های استثنایی. لازم به ذکر است چنین کاری اگر با هدف افزایش شناخت، ارتقاء فرهنگ عمومی و کمک به حس نو عدوستی انجام شود کاری بسیار پسندیده است؛ اما در بسیاری از فیلم‌ها این موضوعات یا دستمایه‌ای برای طنز و یا ابزاری برای افزایش فروش و کسب جوایز هستند.
معرفی و تأکید بر سبک زندگی و تفریحاتی که با داشتن فرزند سازگاری چندانی ندارد.

در مقابل می‌توان به ایده‌ها و پیشنهادهای زیر فکر کرد و برنامه‌هایی براساس آنها در حوزه سینما و رسانه‌ها عملیاتی تدوین کرد (ص ۱۳۱).

باتوجه به رشد پدیده طلاق و گسترش خانواده‌های تک سرپرست لازم است تا به این پدیده بیشتر و دقیق‌تر پرداخته شود. درحالی که سینمای غرب با پذیرش واقعیت میزان روزافزون طلاق در جامعه به موضوع طلاق،

ازدواج مجدد و مسائل فرزندان چنین خانواده‌هایی با دیدی آموزشی و تربیتی می‌پردازد در کشور ما هنوز به اندازه کافی این وضعیت بازنمایی نشده و یا بیشتر با رویکرد منفی و آسیب شناسانه بازنمایی شده است. ساماندهی حوزه تولید فیلم به نحوی که از حذف و بایکوت نقش فرزندان در آنها جلوگیری شود. همچنین باید غیرواقعی بودن داستان برخی فیلم‌ها که تنها متمرکز بر مصرف‌گرایی و عافیت‌طلبی محیط خانواده بدون توجه به مسائل روزمره است نیز نشان داده شود.

اصلاح بازنمایی خانواده‌های پرجمعیت. در گذشته خانواده‌های پرجمعیت یکی از سوژه‌های طنزپردازی در سینما و هنر بود. هرچند اگر تعداد فرزندان خیلی زیاد شود این طنز پردازی‌ها بی‌دلیل هم نخواهد بود، اما اغراق در این موضوعات به ترویج کاهش تعداد فرزندان می‌انجامد (ص ۱۳۲).

به نظر می‌رسد رشد مصرف تکنولوژی‌های نوین ارتباطی (ماهواره، موبایل، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای و...) می‌تواند با کم کردن نیاز و میل به فرزند بیشتر، بر بعد خانواده تأثیرگذار باشد و باعث کاهش رشد باروری شود (ص ۱۳۲).